

بررسی متون مانوی درباره مدت آتش‌سوزی در پایان جهان

زنده‌یاد احترام‌السادات حسینی*

چکیده

در اسطوره آفرینش مانوی رقم ۱۴۶۸ سال، که مدت آتش‌سوزی در پایان جهان مانوی را نشان می‌دهد، رقمی نجومی است که مانی، با آگاهی از اطلاعات نجومی زمان خود، به احتمال زیاد، آن را معادل یک دوره خورشیدی به حساب آورده است.
کلیدواژه‌ها: مانی، مانویت، اسطوره مانوی، نجوم، رقم.

در اسطوره آفرینش در متون مانوی آمده است که این جهان، در پایان جدایی نور از ظلمت، سرانجام با یک آتش‌سوزی مهیب به پایان می‌رسد و این آتش‌سوزی ۱۴۶۸ سال طول می‌کشد. به نظر می‌رسد که انتخاب این رقم، با دوره‌های سیارات، بی‌ارتباط نیست و نقش دانش نجوم در انتخاب این عدد مؤثر بوده است.

طبق اعتقادات نجومی باستان، به‌ویژه در بابل که می‌دانیم زادگاه مانی نیز بوده است، گردش سیارات و کائنات، در ابتدای عمر عالم، از یک نقطه آغاز شده و، در پایان، همگی دوباره در یک نقطه جمع می‌شوند و گردش ستارگان سرانجام با آتش‌سوزی یا با سیلی عظیم پایان خواهد گرفت. آتش‌سوزی هنگامی اتفاق می‌افتد که همه ستارگان، که در گوشه و کنار آسمان سرگردانند، سرانجام در برج سرطان

* استادیار سابق سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

تاریخ دریافت ۸۸/۱۲/۲، تاریخ پذیرش ۸۹/۳/۲۷

گرد هم آیند؛ و اگر همین اتفاق در برج جدی روی دهد، دوره جهان با سیل پایان می‌پذیرد. (وردن ۱۳۷۲: ۱۶۱)

عده‌ای نیز برآنند که پیدایش همه چیز از آتش است زیرا کیهان از آتش پیدا شده است و در آتش هم پایان خواهد گرفت. (همان: ۱۹۴)

در دانش نجوم بابلی، دو نوع گردش برای سیارات تعریف شده است: یکی دوره‌های کوتاه و دیگری دوره‌های طویل. منظور از دوره، مدت زمانی است که سیاره به وضع اول خود برمی‌گردد. مثلاً، همان‌گونه که ماه در مدت ۲۷ یا ۲۸ روز از هلال به بدر و دوباره به هلال تغییر شکل می‌دهد و به وضع اول خود برمی‌گردد که به آن یک «دوره قرانی» می‌گویند، سایر سیارات نیز دارای چنین دوره و گردشی هستند: دوره‌های کوتاه، که از هشت سال برای سیاره زهره تا هشتاد سال برای سیاره مشتری طول می‌کشد و برای پیش‌بینی‌های نجومی دقت کافی نداشته و دیگری دوره‌های طویل، که از ۲۶۵ تا ۱۱۵۱ سال درازا داشته و برای پیش‌بینی‌های نجومی دقیق و سودمند بوده است. (همان: ۱۴۵)

دوره‌های کوتاه و طویل سیارات را طبق جدول‌های زیر می‌توان از هم تشخیص داد:

دوره‌های کوتاه مدت سیارات

زحل ۵۹ سال =	۲ دوره گردش =	۵۷ دوره قرانی
مشتری ۷۱ سال =	۶ دوره گردش =	۶۵ دوره قرانی
یا ۸۳ سال =	۷ دوره گردش =	۷۶ دوره قرانی
مریخ ۴۷ سال =	۲۵ دوره گردش =	۲۲ دوره قرانی
یا ۷۹ سال =	۴۲ دوره گردش =	۳۷ دوره قرانی
زهره ۸ سال =	۸ دوره گردش =	۵ دوره قرانی
عطارد ۴۶ سال =	۴۶ دوره گردش =	۱۴۵ دوره قرانی

دوره‌های بلندمدت سیارات

زحل در ۲۵۶ سال، طولانی‌ترین بازگشت خود را انجام می‌دهد.

(۱) مقایسه شود با ۵۷ سال دوره سوشیانس (آخرین منجی زردشتی).

مشری در ۴۲۷ سال، طولانی‌ترین بازگشت خود را انجام می‌دهد.
 مریخ در ۲۸۴ سال، طولانی‌ترین بازگشت خود را انجام می‌دهد.
 خورشید در ۱۴۶۱ سال، طولانی‌ترین بازگشت خود را انجام می‌دهد.
 زهره در ۱۱۵۱ سال، طولانی‌ترین بازگشت خود را انجام می‌دهد.
 عطارد در ۴۸۰ سال، طولانی‌ترین بازگشت خود را انجام می‌دهد.
 ماه در ۲۵ سال، طولانی‌ترین بازگشت خود را انجام می‌دهد.

(همان:ص ۱۵۲)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، دورهٔ گردش طولانی خورشید ۱۴۶۱ سال تعیین شده که آن را به دو صورت بیان کرده‌اند:

۱) «سال شمسی حقیقی»، معادل $365/2425$ روز، سال مصری قدیم ۳۶۵ روز، و سال ایرانی ۳۶۵ روزه بوده است. بنابراین، مدت زمان لازم برای آنکه آغاز سال ۳۶۵ روزی شمسی دوباره به موضع اولیهٔ خود نسبت به فصل‌ها برسد $365 \times 4 = 1460$ سال طول می‌کشیده است. به بیان دیگر، تفاوت سال شمسی ۳۶۵ روزی (مصری-ایرانی) و سال شمسی حقیقی تقریباً $1/4$ روز است که، بعد از هر چهارسال، سال ۳۶۵ روزی یک روز نسبت به سال حقیقی (که متکی به فصل‌ها است) عقب می‌ماند و، بعد از ۱۴۶۰ سال، ۳۶۵ روز؛ و، وقتی ۳۶۵ روز عقب ماند، در واقع یک سال کامل می‌شود و دوباره بر اول سال منطبق می‌شود.^۱

۲) «دورهٔ خورشیدی»، که در اینجا آمده است، همان «دورهٔ سوتیسی» یا «شباهنگ» مشهور مصری است که، پس از گذشت این مدت از زمان، طلوع شباهنگ (و انقلاب تابستانی به صورت تقریب) دوباره در گاه‌شماری در همان تاریخ روی می‌دهد (همان: ۱۵۸). امروزه، وابستگی فصل‌های سال با وضع خورشید پدیدهٔ آشکار و روشنی به نظر می‌رسد، اما در روزگاران باستان چنین نبوده است و فراوان بودند کسانی که عقیده داشتند سبب گرمای روزهای میانهٔ تابستان ستارهٔ شباهنگ (شعرا یمانی)، ستارهٔ درخشان صورت فلکی سگ بزرگ (کلب اکبر)، است. مصریان باستان ستارهٔ «سوتیس» یا «شباهنگ» را به عنوان «طلایهٔ سال نو و طغیان نیل» می‌پرستیدند. چند هفته پیش از طغیان، پیشامد مهمی در آسمان، که نخستین طلوع شباهنگ بوده است، نزدیکی وقوع

۱) با تشکر از توضیح آقای مهندس محمد باقری (مدرس تاریخ ریاضیات دانشگاه صنعتی شریف).

آن را بشارت می‌داد. این پدیده را به اصطلاح «طلوع خورشیدی شباهنگ» می‌گفتند که همان «طلوع صبحگاهی شباهنگ» است. در مصر باستان، این اتفاق در حوالی روز بیستم جولای (تقویم ژولیایی) رخ می‌داد. پس طلوع شباهنگ مبشر طغیان نیل بوده و سال نو نیز در همین هنگام آغاز می‌شده است. (همان: ۱۴-۱۵)

شایان ذکر است که ستاره‌ای مانند شباهنگ، در تمامی طول سال، قابل مشاهده نیست و نخستین بار در آسمان بامدادی روزی معین از سال دیده می‌شود. این پدیداری را «طلوع صبحگاهی» ستاره می‌خوانند و از آن به بعد، شباهنگ هر صبحگاه اندکی زودتر دیده می‌شود تا آنکه طلوع آن در آغاز شامگاه رخ می‌دهد. این طلوع را «طلوع شامگاهی» ستاره می‌خوانند. غروب ستاره در انتهای شب را «غروب صبحگاهی» می‌نامند. از آن به بعد، ستاره هر شب اندکی زودتر ناپدید می‌شود تا آنکه غروب آن در آغاز شامگاه رخ می‌دهد؛ این را «غروب شامگاهی» ستاره می‌خوانند (همان: ۸-۱). بنابراین، از طلوع صبحگاهی شباهنگ تا طلوع صبحگاهی بعدی در همان تاریخ، در گاه‌شماری، ۱۴۶۰ سال طول می‌کشیده که به آن یک «سال سوتیسی یا شباهنگی» می‌گفتند (همان: ۱۵۸). و نیز، در بابل، کیسه‌های بزرگ ۱۴۶۰ ساله اجرا می‌شده است که «تقویم شمسی» پس از ۱۴۶۰ سال دوباره با «سوتیس» یا «شعرا یمانی» همگام می‌شده است. (رنان: ۱۳۶۶: ص ۳۲)

همچنین طبق نظر حسن تقی‌زاده:

مدت ۱۴۶۸ سالی که مانی در کتاب‌های خود برای دوام مدت اشتعال آتشی که از اختلاط عالم سفلی به علوی پیدا می‌شود تعیین کرده است (که این مدت آن آتش روشن می‌ماند) شاید ارتباطی با میزان همان دوره گردش سال ناقصه معمول ایرانی، به موجب عقیده آن عهد، داشته و با حساب از روی میزان کسر سال بر طبق رأی منجمان بابل این عدد را به دست آورده بودند که مطابق با ۰/۲۴۸۶ روز یا قریب پنج ساعت و ۵۸ دقیقه می‌شود. از روی مأخذی که در دست است، می‌دانیم که در بابل، در دوره‌های مختلف، طول سال شمسی حقیقی را به میزان‌های مختلف اندازه می‌گرفته‌اند و، در قرون اخیر قبل از میلاد، کسر سال، به حساب آنها، مطابق با ۰/۲۴۶۸ روز بوده است؛ یعنی پنج ساعت و ۵۵ دقیقه و نیم و از این‌رو بعید نیست که، در حدود قرن سوم میلادی (عهد مانی)، آن را اندکی بیش از این، یعنی قریب دو دقیقه و نیم بیشتر، می‌شمرده‌اند و علی‌هذا دوره گردش درست معادل ۱۴۶۸ سال می‌شده است و یا همان‌طور که اوگدن در یادنامه مودی سعی

کرده است عدد ۱۴۶۸ سال مانی را با تفسیر آن به یک «دوره سوتیسی» و یک «هفته رمزی» توجیه کند و هنزل^۱ بنا بر قول فلوگل^۲ از او، آن را حمل بر یک دوره قمری - شمسی^۳ کامل که ۱۴۶۸ سال شمسی، از روی حساب زیچ بظلمیوس، معادل است با ۱۸۱۵۷ دور قمری با یک روز فرق. (تقی‌زاده ۱۳۵۷: ۲۳۶)

حال با مراجعه به متون مانوی، می‌توان نقش ایزدمهر و سمبل آسمانی آن، خورشید (و ماه)، را در این مورد به‌وضوح مشاهده کرد:

... نور این ایزد عادل، که خود نریسه ایزد است، پادشاه (دو) ارابه نور (یعنی خورشید و ماه)، حیات‌بخش، طیب و نجات‌بخش ... (آسموسن ۱۹۷۵: ۱۴۲)

نور تو را دومین بزرگی، ایزد نریسف، من ستایش خواهم کرد. خیال دوست‌داشتنی، درخشندگی ... قاضی و گواه همه ... نور بزرگ هزارچشم ... (همان: ۱۴۰)

ای ایزد (بغ) عادل و رفیق، دایتی^۴ (ایزد) دوراندیش! کمکم کن و تو خود مرا حامی باش. تو مبارک هستی، منور، ایزدمهر! تو درخشندگی و شکوه هفت اقلیم هستی. نور تو در هر زمین و ناحیه می‌درخشد.... (همانجا)

... آنها (یعنی تجلی فرستاده سوم)، دیوان خشم را با دو شکل (نر و ماده) نور اغوا می‌کنند... (همانجا)

در این متون، «ایزدمهر» با اسامی «فرستاده سوم»، «نریسه ایزد»، «ایزد نریسف» نامیده شده است، اگرچه، در متون فارسی میانه و پارتی، اسامی دیگری هم دارد.

«ایزدمهر» یا «فرستاده سوم» جزء خدایان منجی آفرینش سوم در اسطوره مانی است که دوشیزه روشنایی را برای نجات نور همراهی می‌کند و خدایان دیگر آفرینش سوم شامل «عیسای درخشان»، «اندیشه بزرگ» یا «بهمن بزرگ» و «دادگر داد» هستند که نقش تعیین‌کننده در پایان جهان خواهند داشت.

بنابراین، مانی، با استفاده از اعتقادات نجومی زمان خود، جهان را با آتش‌سوزی به پایان می‌رساند و مدت این آتش‌سوزی را معادل یک دوره خورشیدی رقم می‌زند.

- 1) Hensel
- 2) Flügel
- 3) luni- solaire
- 4) Deity

... همه روشنی‌هایی که به دست ایزدان نجات‌بخش همچون نریسه ایزد، عیسای درخشان و بهمن بزرگ آزاد می‌شوند، از طریق ستون روشنی به ماه و خورشید و از آنجا به بهشت نو می‌روند و این کار تا هنگامی ادامه دارد که از نور چیزی نماند که آفتاب و ماه توانایی پالایش آن را نداشته باشند. در این هنگام، ایزد حامل زمین‌ها، مانند برکنار شود و آسمان‌ها و زمین‌ها درهم ریزند. زمین‌ها پاره پاره شوند و فریاد گناهکاران به آسمان رسد. دیوارهای آتشین، آبین و زهرین و همه ستون‌ها درهم ریخته شود و آتشی به جوش و خروش درآید و زبانه کشیدن آتش هزار و چهارصد و شصت و هشت سال ادامه دارد و، همین که این حوادث به پایان رسد و پتیاره تاریکی، رستگاری نور و اوج گرفتن ایزدان و لشکریان نگهبان را ببیند، به زاری درآید و آهنگ جنگ نماید و سپاهیان گرداگردش او را سرزنش کنند و او به گوری که برایش کنده بودند فرو شود و بر آن سنگی به بزرگی دنیا گذارند که او را خرد و خمیر سازد و از آزار و ستم دست بردارد. دو بن روشنی و تاریکی برای همیشه از هم جدا شوند، واپسین پاره‌های نور رها گردند و بیکر ایزدی به خود گیرند که واپسین ایزد نام دارد. (اسماعیل پور ۱۳۸۳: ۵۸۷)

منابع

- ابن ندیم، محمد بن اسحاق ۱۳۸۱. الفهرست. ترجمه محمد رضا تجدد، تهران: اساطیر.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم ۱۳۸۳. اسطوره آفرینش در آیین مانی، با گفتاری در عرفان، مانوی، ویرایش ۲، تهران: کاروان.
- تقی‌زاده، سید حسن ۱۳۵۷. گاه‌شماری در ایران قدیم، مقالات تقی‌زاده، ج ۱۰، زیر نظر ایرج افشار، تهران: شکوفان.
- _____ ۱۳۷۹. مانی و دین او، به کوشش عزیزالله علیزاده، [تهران]: فردوس.
- دو کره، فرانسوا ۱۳۸۰. مانی و سنت مانوی، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- رنان، کالین ا. ۱۳۶۶. تاریخ علم کمبریج، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- وردن، بارتل و اندر ۱۳۷۲. پیدایش دانش نجوم، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- Asmusen, Jes P. 1975. *Manichaean Literature...* Delmar, New York: Scholars' Facsimiles & Reprints.
- Boyce, Mary 1975. *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian*, *Acta Iranica*, 9, Tehran-Liege.